

## بز در جان کندن و قصاب در غم چربو!

تلفات جنگ بعد از تهاجم امریکا در کشور ما، خلاف انتظار همگانی، سال به سال رو به افزایش است. قرار گزارش دفتر بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان (SIGAR)، کشته شدگان نیروهای مسلح افغانستان تا 19 آگست 2016، در کم و بیش 231 روز، به 5523 نفر رسیده است، در حالی که تعداد کل کشته شدگان نیروهای مسلح کشور در تمام سال گذشته راهمین دفتر، طی سومین گزارش سالانه خود به کنگره امریکا بالغ بر 5000 نفر وانمود کرده است. معنی این سخن این است که اگر تلفات میانگین روزانه نیروهای ارتش افغانستان تا اخیر سال 2016 به همین میزان ادامه یابد، در اخیر سال جاری میلادی مجموع تلفات ارتش در جنگ با مخالفان مسلح دولت که از سوی کشورهای پاکستان، عربستان سعودی و سایر همپیمانان عربی و غیر عربی آن، همچنان چین، روس و حاکمیت آخوندی ایران به گونه های مختلف کمک مالی و نظامی دریافت می کنند، به 8727 نفر خواهد رسید، که یک افزایش 75 درصدی و قابل ملاحظه در سال را نشان می دهد.

در کنار تلفات جانی ارتش و مردم عوام، خسارات زیرین را مخالفین مسلح دولت به امتداد خسارات سال های قبل، در عرض 231 روز همین سال متوجه کشور و مردم ساخته اند: ویرانی جاده ها، علاوه بر ایجاد موانع در کار پروژه های راه سازی؛ برهم زدن روند بهنجار یا طبیعی تولید، توزیع، مصرف، خرید و فروش، واردات و صادرات و حمل نقل کالا های مورد نیاز مردم در داخل و از خارج؛ به آتش کشیدن یا منفجر کردن وسائط نقلیه؛ اختطاف راکبین بی گناه و قتل عام آن ها؛ تخریب دستگاه های تولیدی کوچک و بعضاً بزرگ؛ تخریب پایه های برق و قطع جریان و انتقال آن در مناطق مختلف؛ ایجاد هراس در میان کارگران، مامورین، کسبه کاران، تجار و صاحبان سائر حرف از راه اخاذی، گروگانگیری و تهدید به مرگ در صورت تمکین نکردن به خواسته های گروه های مسلح و دهشت افکن؛ تخریب، به آتش کشیدن یا بستن دروازه های مکاتب؛ تهدید دانش آموزان و دانش جویان و اولیای شان و تهدید معلمان مکاتب و دانشگاه ها به مقصد مختل ساختن سیستم آموزش و پرورش در کشور؛ حمله و تخریب کلینیک ها و شفاخانه ها و تهدید و قتل پرسونل فنی و غیر فنی آن ها؛ حمله بر ادارات نظامی و ملکی دولتی و غیردولتی؛ تخریب پل ها و پلیچک ها؛ تخریب کانال ها و سائر منابع آبی؛ ایجاد اختلال در جریان حمل و نقل انسانی از طریق اختطاف راکبین وسائط نقلیه و تهدید رانندگان آن ها؛ برهم زدن گردشگری از طریق تهدید گردشگران داخلی و خارجی در کشور و تخویف رهنما ها و ترجمان های گردشگران؛ کشتار خبرنگاران؛ خشونت علیه زنان؛ تهدید سرمایه گذار و سرمایه گذاری های خارجی؛ ایجاد خوف از راه بر هم زدن امنیت، دست یازیدن به ترور و انتحار، تیزاب پاشی و آدم ربائی؛ تأسیس حکومت های محلی در مناطق مفتوحه و استقرار قوانین دوران وحشت و بدویت؛ برپائی محکمه های صحرائی؛ سنگسار، گردن بریدن و زنده به گور کردن؛ جمع آوری مالیه در مناطق تحت کنترل طالبان به نام عشر و ده ها جرم و جنایت کوچک و بزرگ و گناه صغیر و کبیر دیگر.

طبیعی است که این همه تلاش های مخالفان مسلح دولت، که طالبان و داعش و گروه حقانی و همگنان این ها باشند، در سطح جامعه، گذشته از وجود جنگ و ویرانی و کشتار، بروز بی انضباطی و صعود گراف جرم و جنایت و فساد اخلاقی و اداری در سطوح پائین کارمندان دولت که معلول بی کاری و فقر و احتیاج و تشویش و انواع بیماری های روحی - روانی می باشد - گذشته از الگوپذیری کارمندان عادی دولت از رهبران و مامورین عالی رتبه دولت که تا فرق سر در فساد غرق هستند - سبب انواع عارضه و مشکلات و انحرافات دیگر نیز می گردد.

کشور ما صرف نظر از این که امروز رسماً و در سطح جهان مطابق ارزیابی های موسسات بین المللی یکی از قانون شکن ترین و دارای یکی از فاسد ترین و بی کفایت ترین حکومت در جهان شناخته شده است، یکی از آشفته ترین، فقیرترین، ضعیف ترین، جنگزده ترین و عقب مانده ترین کشورهای جهان می باشد، که اصولاً ایجاب می کند هر چه زودتر برای سلامتی و نجات آن از این همه عارضه و بیماری های کشنده - جنگ، نابسامانی، بی امنیتی، قانون شکنی، زورگوئی، فساد، نفاق، و از همه بدتر خیانت به وطن و در خدمت بیگانگان قرار گرفتن - به صورت جدی و دلسوزانه دست به کار شد و همه مسئولان بالا رتبه کشور منحیث وظیفه و به عنوان فرزندان همین خاک، کسانی که در این کشور زاده شده اند و به حکم افغانیت و وجدان تعهدی در برابر کشور و مردم دارند، باید این ضرورت مسجل و محتوم را اکیداً مورد اعتنا و ملاحظه قرار دهند؛ اما صد افسوس که در چنین حالتی غم انگیز، اساسی، مهم و بی نهایت حیاتی، درحالتی که مسأله مرگ و زندگی و آبرو و عزت کشور و مردم مطرح است، سران و مجریان ناصالح و عوضی کشور، هرکدام به نوبه خود، با بیشر می زانداوصفی تلاش دارند از این قربانی نیمه جان و در حال نزع به مصداق "بز در جان کندن و قصاب در غم چربو" سهم بیشتر ببرند.

دیروز غنی تمام افسران ارشد وزارت دفاع، وزارت داخله و ریاست امنیت ملی را فراخوانده و ضمن صحبتی از وقوع یک جنگ اعلام شده در سه هفته آینده خبر داد. این سخن، ارچند تعبیر عام چنین است که در ارتباط طالب و پاکستان به زبان آورده شده است، به شکل آشکار متوجه شش نفر از نزدیکترین همکاران مخالف وی - دوستم، عبدالله، مسعود، دانش، محقق و محمدخان - و متوجه آنعه از وکلای است که ارگ را به فساد و کم کاری و قوم پرستی و قانون شکنی متهم می کنند.

حزب جمعیت اسلامی افغانستان به رئیس جمهور اخطار می دهد که: "اگر رییس جمهور غنی به انحصار قدرت پایان ندهد، نظام کنونی از هم فرو خواهد پاشید." این سخن را اشرف غنی نشانی از اعلام جنگ واقعی علیه دولت تلقی می کند؛ بخصوص آن گاه که جمعیتی ها و شورای نظاری ها و سران جنبش اسلامی مربوط به دوستم قصد ایجاد یک جبهه متحد علیه دولت را دارند.

سایت خبری "آریانا نیوز" ضمن این که این هشدار را سرخط خبر داغ خویش قرار داده است، اضافه می کند که:

"ادامه اختلافات میان کاخ ریاست جمهوری و قصر سپیدار سبب شده تا اعضای ارشد دو حزب مقتدر اما مخالف در شمال افغانستان را پس از سال ها دور یک میز جمع کند. فضل احمد معنوی، عضو جمعیت اسلامی افغانستان می گوید: "خواست رییس جمهور انحصار نمودن قدرت است که اگر این روند ادامه پیدا کند، نظام از هم خواهد پاشید." حزب جنبش ملی به رهبری جنرال دوستم می گوید که بر ادامه همکاری های دراز مدت با حزب جمعیت اسلامی به توافق رسیده اند. بشیر احمد ته پنج، سخنگوی حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان می گوید: "رییس جمهور باید مطابق قانون همه را در حکومتداری سهم دهد تا حداقل بخشی از مشکلات حل شود." پس از رییس اجرایی، نماینده ویژه رییس جمهور در امور اصلاحات و حکومتداری خوب و جنرال دوستم، معاون اول رییس جمهور از کارکرد های آقای غنی به شدت انتقاد کرده و او را به قوم گرایی متهم نمودند. هرچند رهبران حکومت چندین بار با هم دیدار کرده اند، اما اختلافات هنوز هم میان رییس جمهور و رییس اجرایی پابرجاست."

به تکه هائی از یک نوشته، که در سایت خبری بی بی سی گزارش شده است و دال بر اختلافات حاد در رده های بالای دولت می باشد، نیز توجه کنید:

- "تازه دو سال از عمر حکومت افغانستان گذشته که سر تقسیم صلاحیت ها، انتصاب افراد و چگونگی اداره کشور تنش ها میان رهبران شدت گرفته است؛ چنانکه دست کم سه عضو رهبری دولت مدت ها است در جلسه های مهم تصمیم گیری مانند کابینه، شورای امنیت ملی و شورای عالی اقتصادی شرکت نمی کنند." (در همین گزارش شاه حسین صفوی معاون سخن گوی رئیس جمهوری نیز تلویحاً این گفته را تأیید می کند: **متأسفانه صندلی برخی از اعضا در نشست های متوالی خالی بوده و اعضای جلسه از دیدگاه و نظریات آنان محروم شده اند.** موصوف که از این بابت ابراز تأسف می کند، خلاف آن زمانی که در روزنامه معتبر "هشت صبح" کار می کرد و همه کمبودات و نارسائی های دولت را با صداقت و صدای رسا بیان می نمود، در اینجا با توجه به موقف دولتی اش، از گفتن این حقیقت که میان غنی و دوستم و عبدالله و مسعود اختلاف وجود دارد و به دلیل همین اختلاف این ها از مدتی در جلسات کابینه و شورای امنیت ملی و شورای عالی اقتصادی شرکت نمی کنند، رندانه "شیر غلط" می زند.)

- اختلاف نظر ها رفته رفته سبب شده که عبدالله عبدالله، ژنرال عبدالرشید دوستم و احمد ضیاء مسعود بی پرده تر از پیش اشرف غنی را به باد انتقاد بگیرند و با ادبیات یک دست او را به انحصار قدرت و قوم گرایی متهم کنند.

- برای عنایت بابر فرهمند، رئیس دفتر آقای دوستم چنین وضع اصلاً امر طبیعی نیست. او چند مورد اقدامات آقای غنی را که می گوید قومی بوده به این شکل بر می شمارد که در صدر آن رد افراد مورد نظر آقای دوستم از رسیدن به پست های دولتی است. او می گوید: "اشرف غنی با ژنرال دوستم به عنوان معاون اول ریاست جمهوری در هیچ تصمیم گیری بزرگ مشورت نمی کند. خلاف قانون اساسی هیچ صلاحیت تعریف شده را به او تفویض نکرده. مثلاً در زمان آقای کرزی مسئولیت ریاست کمیته امنیتی به مارشال فهیم، معاون او، طی فرمانی مشخص تفویض شده بود. اشرف غنی ریاست این کمیته را به شورای امنیت ملی داده." او می افزاید: "کمتر از ده در صد احکام معاونیت اول در اداره امور ثبت می شود. آقای غنی حکم کرده که هیچ سند دولتی بیشتر از ۴۸ ساعت در اداره امور باقی نماند، اما احکام معاون اول تا یک سال هم باقی مانده و بعضی از آنها بدون دلیل موجه مسترد شده."

- "ظاهراً بی میلی رئیس جمهوری غنی به دادن اختیار به دیگر افراد وابسته به ستون های قدرت افغانستان چیزی است که خشم خیلی را برانگیخته است."

- "منتقدان آقای غنی می گویند که او بیشتر از قوم پشتون در پست های کلیدی دولت استفاده کرده است و به افراد دیگر از اقوام دیگر کمتر اعتماد می کند."

به چند نظر و خبر زیر نیز توجه کنید: *بی رور دانش*

- آصف آشنا، فعال سیاسی: "قوم گرایی در دولت زمینه پا گرفتن ارزش های شهروندی را از مردم افغانستان گرفته است. مردم افغانستان در جزیره های تقسیم شده سیاسی به سر می برند که جدا افتاده از هم است. در راس هر یک، یک بازیگر سنتی قومی قرار دارد که در درون خود جزیره آنها نیز قابل دفاع نیستند. این جریان روند ملت سازی را تضعیف کرده و حکومتداری مبتنی بر حاکمیت قانون را کنار زده و در نهایت احساسات قومی را شعله ور کرده است."

- عطا محمد نور، والی بلخ می گوید: حرف های قومی و دسته بندی ها به نفع هیچ طرف تمام نمی شود.

- سرور دانش، معاون دوم آقای غنی نیز دیروز در مراسم بزرگداشت قربانعلی عرفانی، یکی از رهبران جهادی، گفته بود که یکی از چالش های خطرناک و حتی خطرناکتر از جنگ و ناامنی، خطر قومی سازی در کشور است. او افزود: **"جدل برانگیز و ناامید کننده" رهبران سیاسی و حکومتی متأسف است.**

و اختلاف مجلس نمایندگان با دولت به اندازه ای رسیده است که مجلس علناً و بدون ممانعت و مدارا **دولت را در اداره امور ناکام می خواند؛** و ارگ به مجلس می گوید: **مجلس برنامه کاری ندارد. بهتر است به کار های خود برسد.**

همه این کشمکش ها، آره خواننده گرامی و عزیز، در حالی ادامه دارد که افغانستان در خون غرق است و مردم ستم دیده و آزرده روان ما هر روز و بلاانقطاع کشته می دهند و کشور شان ویران و ویران تر می شود، ولی رهبران سیاسی کشور، که خود پدیدآورنده این همه مصیبت هستند، بی توجه به این که کشور در چه آتشی می سوزد و چه خطراتی موجود است آن را تهدید می کند، در تمام عرصه ها و ادارات دولتی به فکر تثبیت قدرت و گرفتن کرسی و صلاحیت های بیشتر و بهتر برای خود و قوم و خویش خود هستند!

جای تعجب اما این است که همه این ها از وکلای شورای ملی و سنا گرفته تا رئیس جمهور و رئیس اجرائیه و معاونان و سائر یاران و یاوران شان، همین گونه برادر مسعود و همگان وی و رئیس جمهور پیشین، کرزی،

سر حلقه همه این جانیان و عامل اصلی همه شر و فساد در کشور، دعوای مسلمانی دارند، بدون این که به این آیت قرآن که می گوید: "وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ"؛ روابط بین خودتان را اصلاح کنید. "، یا آنجا که در مورد برگرداندن امانت تأکید می کند: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید؛ کمی فکر کنند که حکومت امانتی است، برطبق ادعای خود این ها، که مردم به ایشان تفویض نموده اند - برای خدمت به مردم نه خیانت به مردم!!